



# دستاورد انقلاب اکتبر برای زنان غرب چه بوده است؟

نویسنده: الکساندرا کولوتای





در گندم‌زار زنجیره می‌خواند...

هنگام رژه  
آن دم که تفنگ‌های خود را  
بر شانه می‌گیرند  
و زمین با اولین پرتوهای روز  
می‌درخشد  
چه شجاع و باشکوه  
جلوه می‌کنند.  
دختران چینی افکار بلند و والایی دارند  
آن‌ها صف نبرد را  
بیش از لباس‌های  
ساتن و ابریشمی‌شان  
دوست دارند.

«مائوتسه تونگ»



A Kollontay.



دستاوردهای انقلاب اکتبر برای رهایی زنان کارگر در شوروی روشن، مسلّم و مورد قبول همگان است. اما تاثیر انقلاب کبیر اکتبر بر جنبش رهایی زنان در دیگر کشورهای بورژوایی چه بوده است؟ نقش آن در خلق «زن نوین» ای که در راه آرمان‌های طبقه کارگر مبارزه می‌کند، چیست؟

جنگ جهانی [اول-م] که در اروپا و امریکای شمالی تعداد بی‌شماری از زنان را از بخش‌های فقیر جامعه به‌طورکلی به گرداب تولید و ادارات دولتی کشانید، بدون شک به پیشرفت چشم‌گیر نهضت رهایی زنان خدمت نمود. رشد سریع کار زن تغییرات بی‌سابقه‌ای را در زندگی خانوادگی و کلیت اسلوب زندگی زن در کشورهای بورژوازی به همراه داشت. گرچه روند رهایی زنان بدون الگوی قدرت‌مند انقلاب اکتبر به‌دشواری می‌توانست بیش از این پیش‌روی داشته باشد. انقلاب اکتبر به رقم خوردن ارزیابی نوینی از زن، و به آشکار ساختن و تائید نگرش به زنان به‌مثابه واحدهای کار اجتماعاً مفید یاری نمود. از همان روزهای اول انقلاب اکتبر روشن شد نه صرفاً شوهر و خانواده - چنان‌که هزاران سال پنداشته می‌شد - بلکه همچنین اجتماع، کل کلکتیو اجتماعی و دولت نیازمند انرژی زنان است.

گرچه، این‌که این پدیده یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر تاریخی است و این‌که تکوین یک زن طراز نوین در گروهی یک حرکت عمومی به‌سوی ایجاد یک جمعیت کارگری با ترکیب جدید است، چیزی نیست که بورژوازی بتواند یا بخواهد آن را به رسمیت بشناسد. اگر انقلاب اکتبری در کار

نمود، همچنان باور عمومی بر این بود که کسب معاش زن به دست خود وی پدیده‌ای موقتی و گذرا است و جای همیشگی زن در خانواده و تحت حمایت شوهر نان‌آورش است. انقلاب اکتبر بسیاری از مفاهیم را تغییر داد. این تغییر رادیکال در ارزیابی از وظایف و شغل زنان در اتحاد شوروی، طرز برخورد با زنان را تا فرسنگ‌ها دورتر از مرزهای اتحاد شوروی تحت تاثیر قرار داده است. ما اکنون در هر کجا، در هر گوشه از دنیا، می‌توانیم با زنانی نوین روبرو شویم. زن نوین، شاید جز در میان زنان کشورهای نیمه‌مستعمره و مستعمره، یعنی جایی که غارت‌گری امپریالیستی رشد نیروهای مولده را متوقف کرده، یک پدیده فراگیر است. گرچه حتی در آنجا، با توجه به مبارزه ملی برای تعیین سرنوشت خود و علیه امپریالیسم، زن نوین از خلال پروسه انقلاب در حال شکل‌گیری است. پیروزی در مبارزات بین گروه‌بندی‌ها و طبقات اجتماعی بدون مشارکت زنان غیر ممکن است.

زن نوین اساساً یک واحد مستقل کار است که انرژی او نه در خدمت به منافع اقتصاد خصوصی خانواده، بلکه در ایفای کار اجتماعاً مفید و لازم به کار بسته می‌شود. او در حال رهایی از آن خصائل اخلاقی درونی‌ای است که نشان و علامت زن گذشته بود: ابتدال‌زانه، محافظه‌کاری و تنگ‌نظری، و حسادت و بدخواهی‌اش نسبت به زنان دیگر به عنوان رقیب در شکار آقا بالاسر؛ در محیطی که او برای زنده ماندن می‌رزد، دیگر به هیچ یک از این خصائل نیازی نیست. به محض آن‌که زن برای گذران زندگی بر کار خود متکی می‌شود، به ارتقای کیفیت‌های مختلف و اخذ عادات جدید نیاز می‌یابد و میلیون‌ها زن کارگر در سراسر دنیا خود را به سرعت به اخلاقیات نوینی مسلح می‌سازند.

مشاهده این‌که نه تنها در کشور ما، بلکه حتی در خارج، زنان می‌آموزند که چطور مؤثر باشند و کارگرانی باشند که کارشان مورد نیاز است، جالب توجه است. آن‌ها کاملاً به این امر آگاه‌اند که رفاه خود و همچنین غالب اوقات زندگی فرزندان‌شان، مستقیماً به کار و مهارت‌های آن‌ها وابسته است. آن‌ها خود را چه به لحاظ بیرونی و چه به لحاظ درونی با شرایط جدیدی که در آن

زندگی می‌کنند، وفق می‌دهند. از درون و از لحاظ روانی، آن‌ها از آن موجودیت صبور و مطیع که وجود خود را تماماً به شوهر و خانواده می‌سپرد، دست می‌کشند. زنان اکنون وقتی برای «احساساتی» بودن ندارند و حتی کمتر می‌توانند «مطیع» و صبور باشند. مهم‌تر این است که آنان از قدرت خود مطمئن باشند، در کارهای خود ثبات قدم داشته باشند و به‌واسطه احساسات‌شان اغفال نشوند...

زنان شاغلِ جدید علاوه بر کارآمدی و مساعی خود به‌واسطه بالا بردن صلاحیت‌ها و ارتقای سلامت و قدرت بدنی، برای افزایش ارزش خود در بازار کار، از نظر احساسات و آگاهی قوی نسبت به پیوندهای خود با طبقه‌شان نسبت به زنان گذشته تفاوت دارند. زنان در سیاست درگیرند، و بار دیگر، اگر جنگ شمار انبوهی از آنان را به مبارزات سیاسی کشانید، اما تنها این انقلاب اکتبر بود که با وضع قوانین خود و به‌واسطه مجموعه عملکرد سیستم نوین شورایی، آشکارا بر آن صحه گذاشت که زن در همان حین که در جامعه و برای جامعه کار می‌کند، باید به‌عنوان یک شهروند فعال به‌رسمیت شناخته شود. تحوّل عظیم موقعیت زن در اتحاد شوروی دستجات اجتماعی مخالف آن را ترغیب کرد تا برای جلب زنان به‌سوی خود بکوشند. در هر کجا و هر کشور، فعالیت سیاسی زنان در یک دهه اخیر رشد بی‌سابقه‌ای داشته است. زنان به عضویت حکومت در می‌آیند (در دانمارک بانگ در وزارت آموزش دانمارک و در بریتانیا مارگارت باندفیلد در کابینه رمزی مک‌دونالد)، وارد هیئت‌های دیپلماتیک می‌شوند و به قدرت الهام‌بخش در پس جنبش‌های بزرگ انقلابی (بطور مثال سون تسین‌لین، همسر سون یات‌سن) بدل می‌شوند. زنان می‌آموزند تا دواير دولتی را هدایت، سازمان‌های اقتصادی را ریاست و سیاست را رهبری کنند.

همه این‌ها آیا بدون انقلاب کبیر اکتبر امکان پذیر بود؟ آیا ظهور شهروند-زن نوین و کارگر اجتماعاً مفید بدون آن گردباد عظیم که جهان را درنوردید، ممکن بود؟ در غیاب انقلاب اکتبر آیا امکان داشت که زنان دیگر کشورها بسوی رهایی فراگیر خود چنین گام‌های بلندی بردارند؟



با اندکی تأمل می‌توان به‌روشنی دریافت که پاسخ منفی است. به همین علّت است که زنان کارگر در سراسر جهان نمی‌توانند احساسی جز این داشته باشند که دهمین سالگرد انقلاب اکتبر، جشن بزرگ کارگران سراسر جهان است.

انقلاب اکتبر اهمیت زنان کارگر را به اثبات رساند. انقلاب اکتبر شرایطی را فراهم ساخت که پیروزی «زن نوین» را تضمین می‌کند.

آلکساندرا کولنتای

۱۹۲۷

منبع: آلکساندرا کولنتای: گزیده مقالات و سخنرانی‌ها، انتشارات پروگرس، ۱۹۸۴.

توضیح مترجم در خصوص نشر مقاله: این یکی از چند مقاله در حال ترجمه از آثار زنان کمونیست و انقلابی است که نقشی برجسته در تاریخ مبارزه پرولتاریا و جنبش‌های زنان ایفا کرده‌اند. این مقاله را برای انتشار در سطح فیس‌بوک در اختیار "گزارش اقلیت" قرار می‌دهم. شایان ذکر است این بدان معنی نیست که مترجم با نظریات و مواضع "گزارش اقلیت" موافقت تام دارد، بلکه صرفاً تلاشی است برای گشودن باب همگرایی بیشتر و کمک متقابل در صفوف نیروهای مبارز خلق. اما اهمیت انتشار "پیش از موعد" این اثر از آن روست که آلکساندرا کولنتای در این مقاله بشکلی فشرده معیارهای پیشرفت مبارزات زنان از منظر ماتریالیسم تاریخی را در برابر معیارهای اندیویدوالیستی فمینیسم بورژوازی قرار می‌دهد و در حین ایجاز استدلال‌ات روشنی برای مرزبندی با گرایش "اکنونیسم فمینیستی" (یعنی تقلیل مبارزه‌های

زنان به جنبش "خودبخودی" جاری زنان که عمیقاً تحت تاثیر ایدئولوژیک بورژوازی است)  
ترسیم می کند.



ما را در تلگرام دنبال کنید: @zanjarehh